

از کینه خاله تا اقدامی هولناک برای دخترخاله

پسر نوجوان که به خاطر کینه از خاله اش، در اقدامی هولناک دختر ۴ ساله او را با چاقو مجروح کرده و کودک را تا یک قدمی مرگ کشانده بود در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

پاییز سال 1402 زنی در تماس با اورژانس از مجروح شدن خواهرزاده ۴ ساله اش با ضربات چاقو خبر داد.

وقتی تکنیسین‌های اورژانس به خانه این زن در اسلامشهر رفتند با پیکر خونین دختر بچه ای رو به رو شدند که هوشیاری پایین و خونریزی شدیدی داشت بنابراین بلافاصله او را به بیمارستان منتقل کردند و تحت عمل جراحی قرار گرفت.

در حالی که پزشکان آمیدی به زنده ماندن دخترک نداشتند وی به طور معجزه آسایی از مرگ نجات یافت.

پس از آن مادر دختر بچه با حضور در پلیس آگاهی در تشریح ماجرا گفت: من و خواهرم با کمک همسرانمان از چند ماه قبل یک کارگاه تولیدی راه اندازی کردیم .

من هر روز دختر 4 ساله ام را با خودم به کارگاه می‌بردم روز حادثه دخترم خیلی شیطنت و بازی می‌کرد .

هرچه به او می‌گفتم ساکت بشین تا ما کارمان تمام شود توجهی نمی‌کرد تا اینکه به پسر خواهرم که 16 ساله است گفتم دختر مرا چند ساعتی به خانه ببرد تا ما بتوانیم کارمان را انجام دهیم.

یک ساعت بعد برای پرسیدن حال دخترم با خانه خواهرم تماس گرفتم اما کسی جواب نداد .

نگران دخترم شدم و از خواهرم خواستم تا به خانه اش برود و به بچه‌ها سربزنند. خواهرم وقتی نزدیک خانه شان شده بود ناگهان پسرش را دیده بود که با لباسهای خونی سر خیابان ایستاده و به محض دیدن مادرش سوار ماشینی شده و فرار کرده و بعد هم که به خانه اش رفته بود دختر مرا غرق در خون پیدا کرده بود و به اورژانس خبر داده بود، حالا من از پسر خواهرم شکایت دارم.

بعد از اظهارات این زن مأموران به ردیابی پسر نوجوان پرداختند و وی را بازداشت کردند.

او در بازجویی‌ها اتهامش را پذیرفت و درباره علت کارش به مأموران گفت: به خاطر کینه‌ای که از خاله ام داشتم دخترش را با چاقو زدم.

با تکمیل تحقیقات برای متهم به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی و اقدام به قتل کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه 5 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت

در ابتدای جلسه پدر و مادر دختر کوچولو برای متهم درخواست اشد مجازات کردند.

سپس پسر نوجوان که از کانون اصلاح و تربیت به دادگاه آمده بود به جایگاه رفت و گفت: خاله‌ام همیشه در زندگی ما دخالت می‌کرد و باعث شده بود پدر و مادرم همیشه باهم دعوا کنند. من همیشه به خاطر رفتارهایش از او ناراحت بودم تا اینکه شنیدم پشت سر من هم حرف‌های نامربوطی زده این بار ناراحتی ام تبدیل به کینه شد و به فکر انتقام از او افتادم. وی افزود: روز حادثه وقتی دخترخاله ام را به خانه بردم می‌خواستم او را آزار دهم تا انتقامم را از خاله ام گرفته باشم اما بعد فکر کردم با این کار آبروی خودم می‌رود به همین خاطر با چاقو به جان دخترخاله ام افتادم.

او همیشه من را داداش صدا می‌زد. آن روز وقتی به او چاقو می‌زدم جیغ می‌زد و گریه می‌کرد و می‌گفت «داداش چرا می‌زنی؟ من که همیشه حرف‌هایت را گوش می‌کنم و کار بدی انجام نمی‌دهم.» اما کینه من از خاله‌ام باعث شده بود کر و کور شوم و اعتنایی به التماس‌هایش نکنم. تا اینکه بچه بی‌هوش شد و من هم از ترسم فرار کردم.

حالا هم از کاری که انجام داده ام پشیمان هستم. با پایان اظهارات متهم نوجوان، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.